

***Analyzing the Role of Intelligence Organizations in  
Strengthening Solidarity of Iranian Ethnicities  
(A Case Study of the Kurds)***

***Ata Moqaddamfar\****

**E-mail: [ata.moqaddamfar@gmail.com](mailto:ata.moqaddamfar@gmail.com)**

***Salman Amirsardari\*\****

**E-mail: [salmanamirsardari@gmail.com](mailto:salmanamirsardari@gmail.com)**

**Received: 2023/10/01**

**Revised: 2024/09/14**

**Accepted: 2024/09/16**

**Doi: 10.22034/RJNSQ.2024.427176.1534**

**Abstract:**

National integration is one of the sources of power and security factors, therefore, in heterogeneous societies, the convergence and solidarity of different social groups, including ethnic groups, are of great importance in order to realize integration, which is often realized on the axis of national identity. Governments use various tools to achieve this goal, Meanwhile, security organizations play a decisive role due to their loyalty to the political system, access to policy makers and decision makers, and having unique facilities. Based on this article seeks to answer the question, what is the role of the security organizations of the Islamic Republic of Iran in strengthening the national solidarity of Iranian peoples? This question has been tried to be answered by examining and combining the existing literature regarding social solidarity and the function of security organizations. Also, in order to feel the proposed issues, Sunni Kurdish citizens of Kuristan Province were selected as the study sample. By using library sources, secondary analysis, news, analyzes and existing reports, it was determined that intelligence organizations provide knowledge of situations and processes, monitor trends and, if necessary, take specialized action in accordance with the characteristics of the solidarity process, in facilitating this process, strengthening points positively, they play a role in removing system damage and neutralizing threats and disruptive actions.

**Keywords:** National Solidarity, National Identity, Iranian People, Security Organizations.

---

\* Assistant Professor of Public Policy, Member of the Faculty of the Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Iran.

\*\* Ph.D. Student of Strategic Management, Tehran, Iran (Corresponding Author).

## تحلیل نقش سازمان‌های اطلاعاتی در تقویت همبستگی اقوام ایرانی (مطالعه موردی کردها)

نوع مقاله: پژوهشی

عطاء مقدم‌فر\*\*

سلیمان امیرسرداری\*

E-mail: ata.moqddamfar@gmail.com

E-mail: salmanamirsardari@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۶/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۶

### چکیده

یکپارچگی ملی یکی از منابع قدرت و عوامل امنیت‌ساز به‌شمار می‌رود؛ ازاین‌رو، در جوامع ناهمگون، همگرایی و همبستگی گروه‌های مختلف اجتماعی ازجمله اقوام، به منظور تحقق یکپارچگی که اغلب بر محور هویت ملی محقق می‌شود، از اهمیت بسزایی برخوردار است. حکومت‌ها برای تحقق این هدف از ابزار گوناگونی بهره می‌برند؛ در این میان، سازمان‌های اطلاعاتی با توجه به وفاداری به نظام سیاسی، دسترسی به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران و برخورداری از امکانات منحصر‌به‌فرد، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. بر این اساس، نوشتار حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که «نقش سازمان‌های اطلاعاتی در تقویت همبستگی ملی اقوام ایرانی چیست؟» که با بررسی و تلفیق ادبیات موجود درخصوص همبستگی اجتماعی و کارکردهای سازمان‌های اطلاعاتی، تلاش شد با ارائه مدل به این سؤال پاسخ داده شود. همچنین، به منظور محسوس نمودن مباحث طرح‌شده، شهروندان کُرد اهل سنت استان کردستان به‌عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، تحلیل ثانویه، اخبار، تحلیل‌ها و گزارش‌های موجود، مشخص شد سازمان‌های اطلاعاتی با ارائه شناخت از وضعیت‌ها و فرایندها، نظارت بر روندها و در صورت نیاز، اقدام تخصصی متناسب با ویژگی‌های فرایند همبستگی، در تسهیل این فرایند، تقویت نقاط مثبت، رفع آسیب‌های سیستم و خنثی‌سازی تهدیدات و اقدامات موجد اختلال در آن، ایفای نقش می‌نمایند.

**کلیدواژه‌ها:** همبستگی ملی، هویت ملی، اقوام ایرانی، سازمان‌های اطلاعاتی.

\*\* استادیار سیاست‌گذاری عمومی و عضو هیئت‌علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. تهران. ایران.  
\* دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی (نویسنده مسئول).

### مقدمه و بیان مسئله

از مجموع تعاریف ارائه شده برای امنیت ملی چنین برمی آید که این مفهوم عبارت است از: «توانایی جامعه برای حفظ و صیانت از تمامیت خود (اعم از موجودیت فیزیکی، زیستی و معیشتی، فرهنگی و ارزشی و سرزمین)، ارتقا و بهینه سازی آن و تضمین منافع ملی در دوران جنگ و صلح در قبال تهدیدات داخلی و خارجی (علیخانی، ۱۳۹۶: ۲۲)؛ بنابر این تعریف، امنیت ملی واجد ابعاد دوگانه سلبی و ایجابی است؛ در بُعد سلبی، به تقلیل و دفع تهدید و در بُعد ایجابی، به ارتقا و بهبود وضعیت زیست بوم جوامع اشاره دارد. برخلاف نگاه سنتی به مقوله امنیت که بیشتر بر تهدیدات خارجی و ماهیت نظامی آن تأکید داشت، در رویکردهای نوین، به ابعاد نرم این مفهوم توجه می شود (علیخانی، ۱۳۹۶: ۳۵)؛ ابعادی همچون اقتصاد، محیط زیست، دانش فنی، کارآمدی، روابط دولت و ملت (مشروعیت)، توان یکپارچه سازی (ملت سازی). در این میان، مسئله یکپارچه سازی زیربنای اجتماعی و فرهنگی مدیریت امنیتی را شکل می دهد. به گونه ای که ناکامی در یکپارچه سازی گروه های اجتماعی گوناگون و تبدیل آنان به نیروهای سیاسی اجتماعی معارض، تهدیدات امنیتی به همراه دارد، زیرساخت های سیاسی کلان را چندپاره و توان سیاست سازی نظام حاکم را تضعیف می کند. در این رویکرد، امنیت ملی در ابعاد اجتماعی و فرهنگی به معنی حفظ زبان، فرهنگ، مذهب و عرف ملی است و برعکس، عواملی که تمامیت ارزشی، اعتقادی، سنت ها و هویت وحدت بخش جامعه را کم رنگ و تضعیف نماید، به مثابه تهدید تلقی می شود. مجموع این الگوها را می توان همان هویت ملی دانست. هویت ملی همان معیاری است که موجب تمایز هر جامعه از سایر جوامع و ملت ها است. به عبارتی، هویت ملی مفهومی دورویه است که هم زمان، بر تشابه درونی اعضا با یکدیگر و تفاوت آنان با سایرین تأکید دارد (احمدپور و سراج زاده، ۱۳۹۸: ۱۲). بر همین اساس نیز پس از تشکیل جوامع امروزی در قالب دولت ملت ها که در چهارچوب مرزهای جغرافیایی مشخص، تعریف و تحدید می شدند، ایجاد، حفظ و بالندگی هویت ملی به یکی از دغدغه های حکمرانان و اندیشمندان تبدیل شد؛ چراکه نه تنها پیشبرد امور گوناگون به همراهی و احساس تعلق آحاد جامعه به ارزش ها، هنجارها و اهداف یگانه، آن هم به صورت خودخواسته و برخاسته از اراده، نیاز دارد، حفظ کیان و جوهره حکومت نیز بدان وابسته است. افزون بر آن، استمرار حیات ارزش ها و تحقق اهداف بلندمدت، نیازمند تداوم جامعه پذیری و انتقال ارکان فرهنگ گذشتگان به آیندگان و از نسلی به نسل دیگر است؛ از این رو، حکومت ها به فرایند ملت سازی که بر بستر همبستگی حول محور هویت ملی شکل می گیرد، اهتمام ویژه دارند.

ایجاد همبستگی میان گروه‌های گوناگون جامعه یا همان ملت‌سازی، با ترکیب و تنوع جمعیتی در یک کشور ارتباط مستقیم دارد؛ بر این اساس، جوامع متجانس و همگون با مشکلات کمتری در رسیدن به این هدف مواجه‌اند و در مقابل، جوامع متجانس و ناهمگون به دلیل تعلقات گروهی متعدد و گوناگون مانند خرده‌فرهنگ‌های مذهبی، قومی، نژادی، طایفه‌ای با چالش‌هایی روبه‌رو هستند. والتر کانر یادآور می‌شود که از مجموع ۱۳۲ کشور، فقط دوازده کشور یعنی ۹/۱ درصد به‌طور قطع همگن بوده‌اند و در ۵۳ کشور، یعنی ۴۰/۲ درصد کشورها، جمعیت به بیشتر از پنج گروه مهم و عمده تقسیم شده بود. بر طبق آنچه کانر آن را عدم انطباق مشخص مرزهای سیاسی و قومی می‌نامد، نباید شگفت‌انگیز باشد که ناهمگونی به‌عنوان هسته مرکزی سازمان‌دهی و رقابت سیاسی در سطح جهان باقی بماند (میسون، ۱۳۷۷: ۱۳۱). با توجه به این وضعیت، در نظر گرفتن ناهمگونی به‌عنوان متغیری مؤثر در عرصه‌های داخلی و حتی خارجی و سامان سیاسی کشورها، منطقی و غیرقابل چشم‌پوشی است. به‌بیان دیگر، ایجاد تفاهم ملی و درک مشترک در سطح کلان جامعه، در کشورهایی که از شکاف‌های اجتماعی رنج می‌برند، به‌مراتب دشوارتر و احتمال بروز اختلاف، تنش، تعارض و منازعه و در نهایت، چندپارگی در آن‌ها بیشتر است. با این فرض، مسئله همگرایی و همبستگی، به‌صورت مستقیم با امنیت ملی کشورها ارتباط پیدا می‌کند. عصر اطلاعات با فراهم کردن امکان آسان، در دسترس و در لحظه‌ی ارتباط میان افراد، دیدگاه‌ها و مسلک‌های گوناگون با وجود تقویت همانندی‌ها، بر آشکارسازی و تحریک شکاف‌ها نیز تأثیر عمیقی داشته است. برخلاف تصور اولیه از کمرنگ‌شدن خرده‌فرهنگ‌ها با آغاز دوران جدید و افزایش تعاملات بشری، روابط اقتصادی فرامنطقه‌ای و رواج ایدئولوژی‌های عام و جهان‌شمول، شکاف‌ها و ناهمگنی‌ها استمرار و بلکه شدت یافته است. جالب آنکه دموکراسی بستر تحریک گسست‌ها و مطالبه حقوق اقوام شده است (میسون، ۱۳۷۷: ۱۳۵).

در کشور ایران، به سبب برخورداری از گروه‌های قومی و مذهبی، همبستگی اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که ضعف همبستگی اجتماعی همواره می‌تواند تهدیدکننده «بالقوه» امنیت کشور محسوب شود. رویکرد استکبارستیزانه جمهوری اسلامی و بهره‌گیری دولت‌های متخاصم از فرصت شکاف‌های قومی و مذهبی در کشور برای مشغول‌سازی یا مقابله با آن، تهدیدزایی ضعف‌های متأثر از همبستگی ملی را دوچندان می‌کند؛ چنان‌که در آغازین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی، دوران دفاع مقدس و پس از آن تاکنون، در مقاطع و شرایط مختلف، دستاویزی برای ایجاد مسئله، تنش و بحران بوده است از این‌رو، تقویت همبستگی اقوام ایرانی بر محور هویت ملی یک ضرورت در راستای حفظ و ارتقای امنیت ملی کشور است.



از آنجاکه هویت یک ملت ابعاد گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد، عرصه‌های مختلف فردی و جمعی در آن تأثیرگذار خواهد بود و به‌طور متقابل، از آن تأثیر می‌پذیرند؛ نهادها و ساختارهای حکومتی نیز هر یک به‌گونه‌ای در آن ایفای نقش می‌نمایند. چنان‌که گفته شد، مسئله هویت ملی از آن حیث که مبنای همبستگی اجتماعی است، با امنیت کشور، تمامیت ارضی، بقای ارزش‌ها و استمرار حیات نظام سیاسی ارتباط مستقیم پیدا می‌کند؛ بر این اساس، حکومت‌ها برای ایجاد، تقویت، حفظ و انتقال هویت ملی از ابزار گوناگون از جمله سازمان‌های اطلاعاتی استفاده می‌کنند؛ اما به‌کارگیری صحیح و به‌جای آن نیازمند شناخت نقش این ابزار و وظایف آن در فرایند همبستگی ملی اقوام است. عدم واکاوی نقش سازمان‌های اطلاعاتی در فرایندهای مختلف کشورداری، به دلیل برخورداری این سازمان‌ها از اعتبار، قدرت تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران، اختیارات و امکانات ویژه و غیره منتج به استفاده نادرست از این امکان خواهد شد که ممکن است پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی و گاهی نامطلوب نیز داشته باشد. در این صورت، ممکن است نه تنها در راستای همبستگی اقوام به‌کار نیاید، که در تعارض با یکپارچگی اجتماعی و ایجاد مسئله برای امنیت ملی به‌کار گرفته شود. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، از ظرفیت‌های ویژه این سازمان‌ها استفاده مفید و مؤثر نخواهد شد.

### پرسش‌های پژوهش

#### ۱- سؤال اصلی

نقش سازمان‌های اطلاعاتی در تقویت همبستگی اقوام ایرانی چیست؟

#### ۲- پرسش‌های فرعی

- ۱- عوامل همبستگی ملی اقوام ایرانی (کردها) از منظر سازمان‌های اطلاعاتی کدام‌اند؟
- ۲- موانع تقویت همبستگی ملی اقوام ایرانی (کردها) از منظر سازمان‌های اطلاعاتی کدام‌اند؟
- ۳- سازمان‌های اطلاعاتی در حوزه همبستگی ملی اقوام ایرانی در عرصه کشورداری چه نقشی دارند؟

### فرضیه پژوهش

#### ۱- فرضیه اصلی

از آنجاکه پژوهش پیش رو، به دنبال دستیابی به مدلی مفهومی برای نقش سازمان‌های اطلاعاتی در تقویت همبستگی ملی اقوام ایرانی است و در شرایط اکتشافی قرار دارد، در مرحله آغازین، فرضیه‌ای برای پاسخ به سؤال اصلی برای پژوهشگران مطرح نبوده است.

## ۲- فرضیه‌های فرعی

- ۱- هر آنچه زمینه احساس تبعیض و محرومیت نسبی (عمدی) را در میان اقوام ایرانی (کردها) از میان بردارد یا کم‌رنگ کند، در همبستگی ملی آن‌ها مؤثر است.
- ۲- عوامل گوناگون سیاسی، اقتصادی و ذهنی (گروهی)، بر همبستگی اقوام ایرانی (کردها) تأثیر منفی می‌گذارد.
- ۳- سازمان‌های امنیتی با ارائه شناخت به سیاست‌گذاران، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها و گاهی برخورد با عوامل اخلال در اجرای سیاست‌ها، در کشورداری ایفای نقش می‌نمایند.

## روش پژوهش

برای سهولت در پاسخ سؤال تحقیق، کردها، در محدوده استان کردستان، به‌عنوان نمونه مورد مطالعه برگزیده شده است. در این پژوهش از کتب، مقالات و گزارش‌های مربوطه استفاده شده است. پیش از ورود به بحث اصلی به منظور ایجاد درک مشترک میان نگارنده و مخاطب محترم، مفاهیمی همچون هویت ملی، گروه قومی و همبستگی اجتماعی به‌صورت خلاصه توضیح و در ادامه، با مطالعه مسائل مربوط به شهروندان کرد، موانع همبستگی یا عوامل مؤثر بر گریز احتمالی آن‌ها از هویت ملی بیان شده است. در خلال این مباحث، نقش سازمان‌های امنیتی در این فرایند بررسی شده است. این پژوهش از نظر نوع، کاربردی و از نظر روش، کتابخانه‌ای است که براساس منابع و تحلیل ثانویه و همچنین، برخی اخبار و گزارش‌های خبری و تحلیلی و غیره تهیه شده است.

## پیشینه پژوهش

درخصوص یکپارچگی ملی، همگرایی و همبستگی اجتماعی، انسجام و وفاق اجتماعی، که همگی از یک خانواده هستند، مشارکت سیاسی، سیاست‌های قومی، هویت ملی و موضوعاتی از این دست، کتاب‌ها، پژوهش‌ها و مقالات متعددی در داخل و خارج از کشور انجام شده است که نگارندگان به فراخور رشته مطالعاتی خود به تعریف، بیان زمینه‌ها، عوامل و موانع، بایسته‌ها و شایسته‌های مربوطه پرداخته‌اند. در ادامه، به برخی از پژوهش‌های انجام‌شده درخصوص همبستگی و همگرایی اقوام ایرانی اشاره شده است:

کیانمهر و همکاران (۱۴۰۳) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران بر انسجام و همگرایی اجتماعی فرهنگی در استان گلستان (با تأکید بر ترکمن‌ها)» را به چاپ رسانده‌اند. هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر سیاست‌گذاری‌های

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر همگرایی و یا واگرایی ترکمن‌های استان گلستان است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری‌های ج.ا.ایران براساس شاخص فرهنگی بر همگرایی ترکمن‌های استان گلستان نسبت به نظام بسیار تأثیرگذار بوده است. بدین معنی که هرچه سیاست‌های دولت با سیاست‌های منطبق با سنت و فرهنگ افزایش یابد، موجب تقویت متغیر همگرایی می‌شود؛ بنابراین، تأکید این تحقیق بر آن است که سیاست‌گذاران در تدوین سیاست‌های فرهنگی به جهت همگرایی بیشتر، توجه شایانی به ابعاد مختلف داشته باشند.

افتخاری و حاکمی (۱۴۰۲) مقاله‌ای با عنوان «تحلیل سیاستی همبستگی ملی در سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه» منتشر نمودند. سؤال این پژوهش آن است که تحلیل سیاستی همبستگی ملی در سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه چه چیزی را نشان می‌دهد؟ برای پاسخ به این سؤال، سیاست‌های برنامه‌ای با روش دلالت‌پژوهی مطالعه شده‌اند. یافته‌های کاربست این روش، مفاهیم و موضوعاتی هستند که در کنار همبستگی ملی، در سیاست‌های برنامه‌ای توسعه مشاهده می‌شوند. با بررسی این مفاهیم و موضوعات و نیز کاربست رهیافت سیاستی دکترینی شافریتر، معلوم می‌شود که دکترین واحدی درخصوص همبستگی ملی در سیاست‌های برنامه‌ای وجود ندارد. چنین فقدان باطنی باعث می‌شود زیرساختی اساسی برای ایجاد ثبات حوزه همبستگی ملی نیز وجود نداشته باشد.

میلاذ پوررجبی و علی‌اکبر مجدی (۱۴۰۰) در مقاله «عوامل مؤثر بر بحران قوم‌مداری در تضعیف همبستگی ملی» به این نتیجه رسیده‌اند که در بین عوامل مختلف، نمی‌توان از اثر سیاست‌های قومی دولت‌های مختلف در بروز تنش بین اقوام و حکومت و یا پذیرش نظام مستقر از سوی اقوام چشم‌پوشی کرد.

مجید عباس‌زاده (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «همزیستی تاریخی هویت ملی و هویت قومی در ایران و ضرورت اتخاذ سیاست وحدت در کثرت در عصر کنونی»، به بررسی چگونگی نسبت هویت ملی و هویت‌های قومی در ایران و معرفی الگوی سیاست‌گذاری هویتی مناسب، جهت تقویت رابطه هویت‌های مذکور و تحکیم همبستگی و هویت ملی در کشور پرداخته است.

همان‌گونه که بررسی‌ها نشان می‌دهد، نزدیک‌ترین پژوهش‌ها به موضوع تحقیق موارد یادشده هستند؛ اما تاکنون پژوهشی با موضوع «نقش سازمان‌های امنیتی در تقویت همبستگی اقوام ایرانی» یا مشابه آن انجام نشده و به نقش این سازمان‌ها در همبستگی ملی پرداخته است؛ از این رو، پژوهش در نوع خود بدیع و تازه است.

## چهار چوب نظری و مدل مفهومی

### ۱- هویت ملی

برخی از تعاریف مفهوم هویت ملی بر بعد احساسی و عاطفی هویت تأکید دارند و آن را عامل پیوند و تعلق فرد به گروه یا جامعه‌ای می‌دانند که عضو آن است. تعاریف دیگر بر تمایزبخشی اعضای یک هویت از دیگران و تفکیک «من» و «ما» از «غیر» و «دیگری» تأکید دارند. از جمله این تعاریف چنین است که هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک اجتماع ملی مانند سرزمین یا جغرافیا، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات و در بیانی کوتاه‌تر وابستگی به سرزمین، تاریخ و فرهنگ است. هویت ملی به دلیل فرایند بودن همواره در معرض بازتولید و بازتعریف است (عباس‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۵۶). هویت ملی فراگیرترین و درعین حال، مهم‌ترین سطح هویت در نظام اجتماعی است که در مقایسه با سایر انواع هویت جمعی، بر کل نظام اجتماعی و خرده‌نظام‌های آن تأثیر می‌گذارد؛ به حکومت مشروعیت می‌دهد و بر میزان نفوذ آن می‌افزاید؛ از این رو، متغیری مورد توجه برای حکومت‌ها و درهم‌تنیده با حکومت‌داری است. هویت درعین حال که دارای ماهیت ترکیبی است، دارای بعد سلبی، یعنی جداکننده، تمایزدهنده و شناساننده خود از دیگری نیز است. این دیگری در قالب‌های گوناگون غیر، بیگانه، رقیب، مخالف و دشمن متبلور می‌شود و در مقابل هویت (ملی) قرار می‌گیرد (خلیلی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷). بر این اساس، رخدادهای مهم و ماندگار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به‌مرور زمان به لایه‌های هویتی افراد و گروه‌ها می‌افزاید و ساختمان هویتی آن را متحول و متأثر می‌کند. در این میان، جهانی‌شدن، به‌عنوان یکی از اثرگذارترین پدیده‌ها بر عرصه‌های زندگی اجتماعی، با استفاده از فناوری ارتباطی نوین از طریق تأثیر بر هویت افراد، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها مانند هویت‌ها و فرهنگ‌های قومی و از طریق تأثیر بر عوامل مختلف مانند از بین بردن انحصار هویت‌سازی ملی، ایجاد نوعی فرهنگ جهانی حقوق بشرمدار و احساس فقدان یا نقصان عدالت در محدوده حاکمیت دولت‌ملت‌ها، امکان مقایسه وضعیت خود با دیگران و غیره، توان و اختیارات دولت‌ملت‌ها را تضعیف می‌کند (خلیلی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۳). افزون بر آن، هویت چه فردی و چه اجتماعی، در بستر تعامل اجتماعی شکل می‌گیرد و بدون توجه به این بستر نمی‌توان آن را توضیح داد.

### ۲- گروه قومی

قومیت از نظر آدام کوپر، مقوله‌ای بنیادی در سازمان اجتماعی است که اساس آن «عضویت» و «تعلق» مبتنی بر اشتراک در ریشه‌های تاریخی، فرهنگ، مذهب و زبان است (کوپر، ۱۹۹۹: ۱۶۹). بارگتا گروهی را که پیشینه تاریخی، فرم فیزیکی، آداب و رسوم و خاطرات مشترک، باور مشابه یا یکسانی داشته باشند، گروه قومی می‌داند (بارگتا، ۱۹۹۲: ۵۷۵). وی عنوان می‌کند

قومیت یا گروه قومی، جمعی است در درون جامعه بزرگ‌تر که دارای تبار مشترک واقعی یا خیالی، خاطراتی از گذشته مشترک و تأکیدهای فرهنگی بر یک یا چند عنصر نمادی (مثل زبان و مذهب) است که براساس آن‌ها، هویت گروه تعریف می‌شود (بارگتا، ۱۹۹۲: ۵۸۳). یکی از جامع‌ترین تعاریف از آن توماس هیلاند است؛ از نظر وی، «قومیت» یک هویت اجتماعی است که از ابعاد سیاسی، سازمانی و سمبلیک برخوردار است. از ویژگی‌های گروه‌های قومی، تمایل به اسطوره‌هایی با ریشه مشترک است. باور به ریشه و تاریخ مشترک، خود را متمایز از دیگران دیدن، از فردیت و تعیین برخوردار بودن در فرهنگ جمعی و احساس همبستگی و سرنوشت مشترک بارزترین مشخصه‌های یک قوم است (هیلاند، ۱۹۹۳: ۱۷). مسئله اینجاست که تأکید بر مشترکات خود و تمایز از دیگران میزانی از حس منافع و مسئولیت را بر هویت قومی به دنبال دارد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۶). به بیانی دیگر، قومیت آن زمان که تنها محدود به ایل، نژاد و تبار باقی بماند، هویت‌زا نیست، بلکه در صورتی که با سازوکارهای اجتماعی و سیاسی به فرهنگ تبدیل شود و با ایدئولوژی‌های قومیت‌گرایی تقویت شود، یعنی بر تعریف جداگانه‌ای از خود در برابر دیگری همراه شود، هویت‌زا می‌شود. حال این ادراک هویت قومی که می‌تواند خاستگاهی واقعی یا احساسی داشته باشد، در هر صورت میزانی از دل‌بستگی و تعلق خاطر ایجاد می‌کند که عموماً متأثر از درک و تجربه مشترک محرومیت‌های مادی، شرایط نامطلوب زندگی، سختی‌ها و به حاشیه رانده شدن‌ها، رشد می‌کند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۱). این رشد از قوم‌گرایی (به معنی دوست‌داشتن عناصر هویتی خود) آغاز، از قوم‌مداری (به‌عنوان ادعای برتری خود بر دیگران) عبور و به ناسیونالیسم قومی و تجزیه‌طلبی که معطوف به جدایی و واگرایی از دیگران است منجر می‌شود (دشتی، ۱۳۹۳: ۸۹). اینجاست که گروه قومی با احساس محرومیت، علی‌رغم ادعای برتری، در پی احقاق حقوق و مطالبات قومی خود برمی‌آید و در شکل افراطی آن با تشکیل گروه‌های تجزیه‌طلب مدعی، در برابر قدرت حاکم عرض اندام می‌کند. حال فرایند خواست تجزیه‌طلبانه می‌تواند متناسب با راهبرد و امکانات تجزیه‌طلبان، هر زمان متوجه عرصه‌ای از امنیت ملی، از ابعاد انسانی گرفته تا تمامیت ارضی، شود و مولفه‌ای از مؤلفه‌های امنیت ملی مانند مؤلفه‌های نظامی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی را دربرگیرد.

### ۳- همبستگی اجتماعی

مفاهیمی همچون یکپارچگی ملی، همگرایی ملی، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، وفاق اجتماعی و ادغام اجتماعی، با وجود اندک تفاوت‌هایی، همگی از یک خانواده بوده و به همبستگی و یکپارچگی در یک جامعه پیرامون ارزش‌ها، آرمان‌ها و هنجارهای مشترک اشاره دارد (خوشحال و فرحی، ۱۳۹۴: ۲). همبستگی اجتماعی، از موضوعاتی است که در

خلال نظریه‌های مربوط به یکپارچگی اجتماعی، توسعه سیاسی و غیره بحث می‌شود؛ مفهوم همبستگی اجتماعی به یکپارچگی و احساس مسئولیت متقابل و همچنین، پیوندهای انسانی و برادری اشاره دارد و در اصطلاح، عبارت است از پدیده‌ای که بر پایه آن، در سطح گروه یا جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به‌طور متقابل، به یکدیگر نیازمندند که با پیوستگی درونی جامعه یا گروه ارتباط دارد. بنابر نظر دورکیم، همبستگی اجتماعی و وفاق ملی براساس ارزش‌ها و قواعد اخلاقی و پذیرش این ارزش‌ها از جانب اکثریت افراد جامعه صورت می‌گیرد (تامپسون، ۱۳۸۸: ۱۰۹). همبستگی فرایندی است که در آن شبکه‌ای از روابط و گرایش‌های مبتنی بر اعتماد میان گروه‌های مختلف با بدنه جامعه ایجاد شده و استمرار می‌یابد. این مهم زمانی محقق می‌شود که پیوندهای بین دو طرف هم در بعد ذهنی و هم در بعد عینی برقرار شود (ذکایی، ۱۳۸۰ الف: ۷۳).

از نگاه دورکیم، یکی از عناصر تشکیل‌دهنده همبستگی، عمل متقابل اعضای گروه با یکدیگر است (کوزر، ۱۳۷۳: ۱۸۹). همبستگی وجوه گوناگونی دارد که در سطوح فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مطرح می‌شود. برخی صاحب‌نظران همبستگی را به چهار نوع تقسیم کرده‌اند: نخست، همبستگی فرهنگی یعنی اشتراک کلی در ارزش‌ها؛ دوم، همبستگی هنجاری یعنی هماهنگی میان شیوه‌های رفتار؛ سوم، همبستگی ارتباطی یعنی برقراری ارتباط در کل سیستم و چهارم، همبستگی کارکردی یعنی وابستگی اجزای متقابل اجزای نظام یا عدم تغایر میان آن‌ها (بشیریه، ۱۳۸۳: ۷۹). در این میان، دو گونه «فرهنگی» و «کارکردی» همبستگی، گونه‌های اصلی را شکل می‌دهند؛ زیرا اولاً همبستگی هنجاری نیازمند همبستگی فرهنگی یا ارزشی است و ازسوی دیگر، همبستگی ارتباطی نیز جوهر همبستگی کارکردی را شکل می‌دهد؛ درعین‌حال، همبستگی ارتباطی میان دو مفهوم همبستگی هنجاری و کارکردی پیوندی ایجاد می‌کند و به آن وحدت می‌بخشد؛ بنابراین، لازمه حفظ انسجام این است که ارزش‌ها و هنجارها و نهادها در شبکه‌ای از ارتباطات گسترده قرار گیرد (چلبی، ۱۳۸۲: ۲۲۰). در مقابل نظریه همبستگی، برخی نظریات درخصوص عدم انسجام اجتماعی هم به ارائه دید بهتر به این موضوع کمک خواهد نمود؛ رابرت فیس معتقد است که «نظام گسیختگی یا عدم انسجام اجتماعی بر اثر به هم خوردن یا از طریق از بین رفتن به هم پیوستگی سازمان اجتماعی به وجود می‌آید و عدم کارکرد صحیح نقش‌ها را عامل اصلی نظام گسیختگی می‌داند». او معتقد است بروز گرایش‌های متفاوت و برخورد میان گرایش‌های گروه‌های مختلف، به هم پیوستگی سازمان اجتماعی جوامع را به هم زده و موجب عدم انسجام اجتماعی می‌شوند. زمانی که جامعه‌ای تمام کارکردهایش یا یک یا چند قسمت از آن به‌درستی کار نکند و کارکرد صحیح

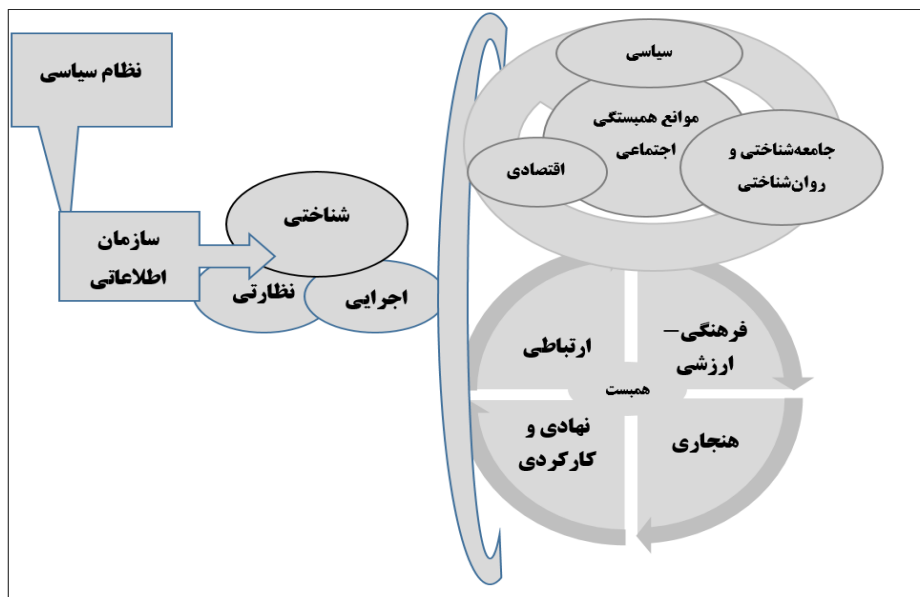


خود را ازدست بدهد، جامعه دچار نظام گسیختگی یا عدم انسجام اجتماعی می‌شود؛ سادرلند می‌گوید: «هرگاه میان هنجارها و ارزش‌های اجتماعی جامعه با نهادهای اجتماعی برخورد حاصل شود، نظام گسیختگی به وجود خواهد آمد». از سوی دیگر، عواملی به عنوان علل منازعات قومی برشماری شده است که پیشگیری یا رفع این عوامل، مسیر همبستگی اجتماعی اقوام حول محور هویت ملی را فراهم خواهد کرد. برای پرهیز از طولانی شدن نوشتار، از توضیح این عوامل خودداری و به بیان آن‌ها اکتفا می‌شود؛ این عوامل عبارت‌اند از: تضعیف الگوی دولت‌ملت، رقابت نخبگان بر سر قدرت، کاهش قدرت حکومت، سهیم ساختن اقلیت‌ها در حاکمیت و ایجاد دسترسی به منابع قدرت (رهیافت‌های سیاسی)، نابرابری مرکز پیرامون، توسعه نامتوازن و نابرابری‌های منطقه‌ای، رقابت بر سر منابع (رهیافت‌های اقتصادی)، تبعیضات قومی، رفتار گروه‌های مرجع و محرومیت نسبی (رهیافت‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی) (هوشنگی، ۱۳۹۶: ۴۴).

#### ۴- سازمان‌های اطلاعاتی

مبتنی بر ادبیات و ساختارهای موجود در کشور و تجربه کارشناسان، سازمان‌های اطلاعاتی به منظور تحقق چند هدف عمده تأسیس شده و بر آن اساس، اقدامات منحصربه‌فرد آن‌ها مشروعیت می‌یابد؛ نخستین و مهم‌ترین علت، پیشگیری از غافلگیری راهبردی و در مرحله بعد، غافلگیری تاکتیکی با اعلام هشدار به موقع به مراجع مربوطه است. دومین علت، پرکردن و تأمین خلأهای شناختی احتمالی سیاست‌گذاران است که معمولاً به دلیل مقطعی بودن مناصب خود، پس از مدتی جابه‌جاشده و نفرات جدیدی جایگزین آن‌ها خواهند شد؛ در واقع، سازمان‌های اطلاعاتی مشاورانی با شناخت بلندمدت برای سیاست‌مدارانی با نقش موقت هستند. سومین علت، پشتیبانی از روند سیاست‌گذاری است که با ارائه اطلاعات دقیق، به موقع و صریح، امکان تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلف را برای سیاست‌گذاران تسهیل می‌نماید. چهارمین علت نیز به حفاظت از پنهان ماندن اطلاعات و روش‌ها مربوط است. در راستای تأمین این اهداف، سازمان‌های اطلاعاتی سه نقش اصلی «شناختی، نظارتی و اجرایی» را در ابعاد مختلف کشورداری از جمله در حوزه حفظ هویت ملی، آن‌گونه که به اهداف بیان‌شده و اقوام مربوط می‌شود ایفا می‌نمایند. بدیهی است نقش شناختی افزون بر اینکه مهم‌ترین نقش دستگاه اطلاعاتی است، مقدمه دو نقش دیگر نیز است (سالارکیا و میرمحمدی، ۱۳۹۷: ۴۵). تعریف و تعیین این نقش ارتباط مستقیمی با دستورکار و مأموریت‌های سازمان اطلاعاتی، نوع نظام سیاسی، برداشت از امنیت و استراتژی امنیت ملی نظام سیاسی دارد (سالارکیا و میرمحمدی، ۱۳۹۷: ۴۹). از نگاهی

دیگر، زمانی که نقش نهادهای اطلاعاتی را شناسایی پنهانی منابع و روش‌های کسب قدرت و یا شناسایی عوامل تضعیف قدرت نظام حاکم بدانیم، همبستگی اجتماعی بر محور هویت ملی به‌عنوان یکی از منابع قدرت مورد توجه این سازمان‌ها خواهد بود. در هر صورت، با توجه به عدم نقش مستقیم سازمان اطلاعاتی در فرایند همبستگی و یکپارچگی ملی که بیشتر جنبه جامعه‌پذیری و فرهنگی دارد، بیشترین تأکید در این حوزه بر ارائه شناخت دقیق از ضرورت‌ها و موانع همبستگی و در مرحله بعد، نظارت بر روندهای موجود و در نهایت و بنابر ضرورت اقدام تخصصی، در راستای تقویت آن یا حذف موانع خواهد بود. نقش شناختی مستلزم ایجاد دسترسی‌های اطلاعاتی به اهداف تعریف‌شده است که نتیجه آن به‌صورت محصولات متنوع خبری، هشدار، تحلیلی و برآوردی به سیاست‌گذاران و مدیران ارائه می‌شود؛ نقش نظارتی افزون بر دسترسی‌های پنهان، نیازمند حضور مستقیم و غیرمستقیم مانند حراست‌ها در محیط‌های هدف است؛ نقش اجرایی نیز با مجوزهای قانونی و به‌صورت اقدامات بازدارنده یا برخورد با عوامل مخمل امنیت ملی آشکار می‌شود. در نهایت، بنابر مطالب مذکور می‌توان نقش سازمان‌های اطلاعاتی در همبستگی اقوام حول هویت ملی را چنین در نظر گرفت:



شکل شماره ۱. مدل مفهومی نقش سازمان اطلاعاتی در عرصه همبستگی اقوام



متأثر از مدل مفهومی ارائه شده در شکل شماره ۱، سازمان‌های اطلاعاتی متأثر از برداشت‌ها و راهبردهای نظام سیاسی از سه طریق «پایش محیط و ارائه شناخت»، «نظارت بر فرایندها و عملکردها» و در صورت نیاز «اقدام با هدف تأثیرگذاری بر محیط در راستای پشتیبانی از سیاست‌ها» بر ابعاد مختلف همبستگی اجتماعی تأثیر می‌گذارند و در جهت پیشگیری یا رفع موانع آن عمل می‌کنند.

### گزارش یافته‌های تحقیق

#### ۱- رویکرد کلی نظام جمهوری اسلامی ایران به اقوام

چنان‌که گفته شد، حوزه‌های مختلف کشورداری با هویت ملی ارتباط پیدا می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که هم از آن تأثیر می‌پذیرند و هم بر آن تأثیر می‌گذارند. هویت ملی مقوم امنیت ملی و همبستگی مبتنی بر آن، یکی از منابع قدرت ملی است. چنان‌که نه تنها یکی از عوامل تولیدکننده قدرت و امنیت‌ساز در رویکردهای نوین است، بلکه در صورت خدشه‌دار شدن و تضعیف، امنیت ملی را در ابعاد سخت و مشهود آن نیز با چالش روبه‌رو خواهد کرد؛ از این‌رو، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های مربوط به تقویت همبستگی اقوام، شامل گروهی از سازمان‌ها و نهادها خواهد شد؛ اما از آنجاکه بستر تشکیل، استمرار و انتقال هویت ملی، فرهنگ و فرایند جامعه‌پذیری در یک کشور است، نهادهای متولی حوزه فرهنگ و اجتماع از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. رویکردهای هوشمندانه یک حکومت در حوزه‌های سیاسی، اداری، اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز و تقویت‌کننده فرایند همگرایی اقوام و تحقق همبستگی ملی پیرامون هویت ملی باشد؛ همچنان‌که در پیش گرفتن سیاست‌های یک‌سویه، تمامیت‌خواه، رهاشده، مقطعی و غیرعلمی تأثیری عکس خواهد داشت و موجب افزایش گسست‌های اجتماعی خواهد شد. در این شرایط، افزایش و تعمیق گسست‌ها و شکاف میان اعضای یک جامعه، نابسامانی و عدم ثبات را به دنبال دارد و نظام حاکم را با شرایطی دشوار در کشورداری، عدم همراهی ملت با دولت و درنهایت، مخاطراتی همچون جدایی طلبی مواجه می‌کند. آن زمان که رقیب و یا دولت متخاصمی، شکاف اجتماعی و تضعیف هویت ملی را با اقدامات متنوع ضدامنیتی هدف قرار دهد، دلیلی دیگر برای ورود سازمان‌های اطلاعاتی به این حوزه برای خنثی‌سازی یا مصون‌سازی در برابر اقدامات دشمن وجود خواهد داشت. بر این اساس، سازمان‌های اطلاعاتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حکومت برای تأمین و تحقق امنیت ملی، در موضوع همبستگی اقوام نقش داشته و عهده‌دار وظایفی خواهند بود. این نقش براساس سیاست‌های نظام درباره اقوام است.

شایان ذکر است در ادبیات سیاسی و اجتماعی از دو الگوی عمده سیاست‌گذاری قومی بحث به میان آمده است؛ یکی «هماندسازی» و دیگری «کثرت‌گرایی» که در بیشتر موارد، در محدوده‌ای در این میانه قرار می‌گیرد. در رویکرد نخست، هرگونه تفاوت و تمایز هویتی انکار می‌شود و تلاش حکومت بر یکسان‌سازی اعضای جامعه با استفاده از ابزار و روش‌های گوناگون نرم و سخت است. رویکرد دوم مبنای پذیرش تفاوت‌ها قرار می‌دهد؛ هرچند ممکن است برابر یا نابرابر باشد (مارجر، ۱۳۷۷: ۱۵۷). جمهوری اسلامی با توجه به تعدد اقوام و اقلیت‌های دینی کشور، براساس آموزه‌های انسانی و دینی و مبتنی بر الزامات کشورداری، سیاست «کثرت‌گرایی بر محور دین» یا «تکثرگرایی دین‌محور» را برگزیده است؛ به بیان دیگر، پذیرش اصل تنوع و تکثر قومی بر مبنای آموزه‌های دینی و مذهبی در قالب هنجارهای لازم‌الرعايه و به‌مثابه سند میثاق ملی و مبنای نظم و رفتارهای سیاسی، اجتماعی با عنوان قانون اساسی متجلی شده است (مهری و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۴). از آنجاکه نقش سازمان اطلاعاتی در حوزه‌های مختلف برگرفته از برداشت‌ها و سیاست‌های کلان نظام حاکم در آن خصوص است، به منظور روشن‌شدن راهبرد کلان سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی در موضوع اقوام، مناسب است مروری کوتاه بر مهم‌ترین منابع سیاست‌ساز یا ارکان جهت‌ساز در جمهوری اسلامی داشته باشیم:

- امام خمینی (ره): «از اول پیروزی انقلاب تاکنون، در هر موقعیتی که پیش آمده است، اعلام کرده‌ایم که در اسلام کُرد و تُرک و فارس و بلوچ و لُر و ترکمن و غیر این‌ها مطرح نیست. اسلام برای همه است و جمهوری اسلامی حق همه گروه‌ها را با عدالت اسلامی ادا خواهد کرد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۳۸۸).

- مقام معظم رهبری (مدظله العالی): «هر قومی از اقوام ایرانی، چه کُرد، چه فارس، چه تُرک، چه بلوچ، چه عرب، چه ترکمن، چه لُر، سعی کند با همان روحیه قومی در جهت پیشرفت ملی، نه صرفاً پیشرفت قومی، گام‌های بلندتری بردارد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۰). «کشور و ملت یکپارچه است. البته یکپارچگی‌اش به‌خاطر تاریخ، جغرافیا، و سنت‌ها و فرهنگ است؛ اما عمدتاً به خاطر دین و مسئله رهبری است که اجزای این ملت را به هم وصل کرده و همه احساس یکپارچگی می‌کنند» (مهری و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۲).

- قانون اساسی: براساس اصل نوزدهم، مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود. بنابر اصل بیستم قانون اساسی، همه افراد اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.



موارد دیگری که به حقوق شهروندان ایرانی صرف نظر از هویت‌های قومی و مذهبی اشاره نموده‌اند عبارت‌اند از: «حق مشارکت در امور سیاسی در اصل ۷»، «مصونیت جان و مال همگان از تعرض در اصل ۲۲»، «حق ابراز عقیده به طرز عمومی در اصول ۲۴ و ۲۷»، «تکلیف دولت به تأمین نیازهای اساسی در اصول ۳۰ و ۳۱» و «شرایط مساوی برای احراز مشاغل طبق اصل ۲۸» و «امنیت قضایی در اصول ۳۲ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۷»، «حق ایجاد تشکل در اصل ۲۶»، «حق تدریس زبان ادبیات محلی در مدارس در کنار زبان فارسی در اصل ۱۵»، «آزادی انجام مراسم دینی و عمل بر طبق آیین خود در احوال شخصیه و تعلیمات دینی در اصل ۱۳»، «برقراری مقررات محلی طبق مذهب اکثریت غالب در اصل ۱۲».

بر این اساس، مأموریت‌ها و اقدامات سازمان‌های اطلاعاتی با سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران انطباق یافته و طبق موارد بالا، همانند دانستن اقوام و سیاست‌های اجرایی آن همسو با اصول قانون اساسی خواهد بود.

## ۲- موانع همبستگی ملی کردها

### ۲-۱- رهیافت‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی

هویت در سطوح مختلف فردی، گروهی و ملی، رابطه‌ای درهم‌تنیده با فرهنگ دارد و تعاملی مستمر میان آن‌ها برقرار است. به گونه‌ای که منبع و ریشه تضادها و شباهت‌ها، جدایی‌ها و پیوستگی‌ها میان انسان‌ها، ماهیتاً و عمدتاً فرهنگی است. بنابر نظریه سرمایه فرهنگی، از جمله مسائلی که تحت تأثیر میزان سرمایه فرهنگی قرار می‌گیرد، کاهش تعصبات قومی و عارضی است. به این دلیل که با افزایش سرمایه فرهنگی، بر میدان‌های مشترک بین فردی افزوده می‌شود، تفاوت‌های فردی و قومی رنگ می‌بازد، تفکر و کنش عقلانی جایگزین کنش سنتی و حساب‌نشده می‌شود و به کاهش خصومت‌های قومی و افزایش همبستگی می‌انجامد (گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۳۶). از سویی، فرایند جامعه‌پذیری که اساس آن بر هویت ملی بنا می‌شود، از بطن فرهنگ می‌گذرد و هدف، محتوا و ابزار آن را فرهنگ تولید و مشخص می‌کند. آنچه در فرایند جامعه‌پذیری اتفاق می‌افتد، فرایندی است که در آن الگوها، هنجارها و دیگران مهم اجتماع در ذهن فرد نقش می‌بندد (ذکایی، ۱۳۸۰: ۱۷۷)؛ از این رو، عوامل فرهنگی که با ادراک افراد و شناخت آن‌ها پیوند محکمی دارد، به صورت مستقیم بر همبستگی یا گسست اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

انواع نهادهای رسمی و غیررسمی که هر یک به نوعی در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی فعالیت می‌کنند، در فرایند جامعه‌پذیری سهم هستند که از جمله آن‌ها می‌توان به نهادها و

روابط اجتماعی مانند خانواده، دوستان، همکاران، رسانه‌های دیداری و نوشتاری اعم از مکتوب، دیجیتال و مانند آن، نهادهای آموزش رسمی مانند آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی، سمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادهای مذهبی مانند مساجد، نخبگان عرصه‌های گوناگون، نهادهای نمادساز مانند هنر و ورزش، مناسبت‌ها و مراسم گوناگون و نظایر آن اشاره کرد. کردها با پیشینه‌ای طولانی، از غنایی انکارناپذیر در حوزه فرهنگی برخوردار است؛ چنان‌که مقام معظم رهبری نیز در سفر خود به این استان در سال ۱۳۸۸ فرمودند: «استان کردستان، یک استان فرهنگی است. شما به طبیعت سرسبز و زیبای این استان نگاه کنید، به روحیه مهربان و باصفای مردم این استان نگاه کنید، به تاریخ این استان، که علما و شعرا و اهل فرهنگ و اهل هنر در همین تاریخ نزدیک این استان فراوانند، نگاه کنید، همه این‌ها نشان می‌دهد که این استان یک استان فرهنگی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۲). براساس این واقعیت، فرهنگ غنی کردی نسبتی دوسویه با هویت ملی دارد؛ از یک‌سو، تکیه بر علائق فرهنگی کردها و مشترکات آن‌ها با هویت ملی و ازسوی دیگر، جدایی از هویت ملی با اصرار بر هویت قومی. اینکه کدام سویه موردتوجه شهروندان کرد قرار گیرد، به ادراک همبسته آنان از وضعیت‌ها و کارکردهای حاکمیت در زمینه فرهنگ و ابزار هویت‌سازی و جامعه‌پذیری بستگی دارد. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

**روابط اجتماعی و مجاورت:** یکی از مهم‌ترین عناصر هویت‌ساز روابط اجتماعی و مجاورت است. درخصوص کردهای ایرانی می‌توان گفت گروهی از کردها مذهب شیعه را قبول کرده‌اند؛ مثل طایفه شقاقی که به سبب مجاورت با ترکان شاهسون، این مذهب را گرفته‌اند. در گذشته در زمین‌های کشاورزی شهرستان قروه، هنگام برداشت محصول، اهل سنت و اهل تشیع به یکدیگر کمک می‌نمودند و اصولاً بحث اختلاف مذهبی مطرح نبوده است. در مسئله ازدواج، مشکلی میان اهل تشیع و اهل سنت وجود نداشته است و دو طرف با یکدیگر زندگی خوبی داشته‌اند. در اویش اهل سنت یعنی فرقه‌های قادریه و نقشبندیه، با وجود برخورداری از ویژگی‌های قومی و اعتقادات مذهب شافعی، به دلیل احترام ویژه به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه‌السلام)، ارتباط نزدیکی با شیعیان داشتند. سال‌ها مردم استان کردستان به‌ویژه در شهرهایی که ساکنان سنی و شیعه در کنار هم زندگی می‌کرده‌اند، در مسائل مختلف زندگی و شغلی به همدیگر مراجعه می‌نمودند. طلاب علوم دینی شیعه نزد ماموستاهای اهل سنت و طلاب سنی مذهب نزد روحانیون شیعه تحصیل می‌کردند. خانواده‌ها و زوج‌های جوان شیعه و سنی برای جاری کردن صیغه عقد نزد ملاها و روحانیون مذهب دیگر می‌رفته‌اند. در نماز جماعت یکدیگر شرکت کرده و در یک صف به نماز می‌ایستاده‌اند.



اهل سنت در ساخت حسینیه و برگزاری مراسم عزاداری و توزیع نذری بین عزاداران به شیعیان کمک می‌کرده‌اند که حسینیه سنندج نمونه زنده آن است (امیرسرداری، ۱۳۹۳: ۷۹). براساس یک پژوهش دانشگاهی، کسانی که در بین خویشان و نزدیکان سابقه ازدواج برون‌گروهی (برون‌قومی) داشته‌اند، بیشتر از دیگران به قوم دیگر گرایش نشان داده‌اند (کاظمی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۷)؛ از این رو، آنچه به تقویت ارتباطات اجتماعی میان شهروندان کرد اهل سنت با سایر اقوام و مناطق کشور کمک کند، در همبستگی ملی آن‌ها مؤثر خواهد بود. یکی از این مسائل گسترش زیرساخت‌های ارتباطاتی برای تسهیل تردد به این مناطق مانند شبکه ریلی و فرودگاه است. با توجه به شرایط جغرافیایی و کوهستانی بودن کردستان، ضعف زیرساخت‌های ارتباطی در تردد بین اهالی با سایر مناطق و سایر مناطق با این منطقه تأثیر مهمی دارد. این امکان، زمینه آموشد گردشگران را به این منطقه فراهم می‌کند؛ چنانچه نوع برخورد و تعامل اهالی شهرستان بانه که مقصد گردشگری تجاری مسافران از شهرهای مختلف است با تعامل مردم شهرهای دیگر استان متفاوت است. مسئله دیگر ایجاد وابستگی، تعامل و دادوستدهای اقتصادی است؛ به گونه‌ای که ایجاد صنایع میانی و نه نهایی در استان، ارتباطات را افزایش خواهد داد. این در مقابل وضعیتی است که کردها تنها با شهرهای همجوار خود که از نظر قومی همگونی دارند ارتباط داشته باشند یا در سطحی دیگر، با کردهای همجوار در اقلیم کردستان عراق در ارتباط باشند.

**آموزش رسمی:** از مهم‌ترین فرایندهای هویت‌سازی، جامعه‌پذیری و همبستگی اجتماعی است. در این فرایند، فرد در سنین شکل‌گیری هویت فردی و جمعی خود، مدتی طولانی در معرض عناصر و داده‌های مرتبط با هویت ملی قرار می‌گیرد. یکی از این عناصر، زبان به‌عنوان مهم‌ترین ابزار انتقال فرهنگ است. بنابر اصل پانزدهم قانون اساسی، زبان فارسی زبان آموزش رسمی است؛ هرچند در کنار آن، آموزش ادبیات و تدریس زبان محلی نیز امکان‌پذیر است. براساس این فرصت قانونی، مراکز متعددی برای آموزش زبان‌های محلی و حتی رشته دانشگاهی ادبیات کردی نیز راه‌اندازی شده است. با توجه به اهمیت این عنصر در هویت‌سازی، موضوع حذف زبان فارسی از آموزش به یکی از اهداف جریان واگرایی قومی تبدیل شده است؛ از این رو، تلاش‌هایی برای تولید محتوای درسی با زبان کردی، ترکی و همانند آن و تدریس غیرقانونی آن در مدارس شهرهای کوچک توسط عناصر قوم‌مدار در حال انجام است. در حال حاضر، با توجه به سیاست بومی‌گزینی دانشگاه‌ها، نه تنها در مدارس که در دانشگاه‌ها نیز با توجه به یکسانی زبان اساتید و دانشجویان، در عمل از زبان فارسی استفاده نمی‌شود. حضور دانشجویان کرد در دانشگاه‌های دیگر و دانشجویانی از فرهنگ‌های دیگر در

شهرهای کردنشین برای ادامه تحصیلات دانشگاهی، ظرفیتی مهم در راستای همبستگی اجتماعی ملی حول محور هویت ملی است. در جریان تحصیل یک دانشجوی جوان کرد در خوابگاهی با حضور افرادی از شهرهای دیگر که ممکن است دو، چهار، شش سال و حتی بیشتر هم طول بکشد، با توجه به مقتضیات سنی، ارتباطات گسترده‌ای برقرار خواهد شد. این دانشجوی در مدت تحصیل، متأثر از فرهنگ اساتید، کارمندان دانشگاه، ساکنان شهر محل تحصیل، ازدواج احتمالی با دانشجویی از قوم دیگر و برقراری روابط دوستانه، با بدنه جامعه ایرانی آمیخته و شخصیت وی به صورت ناخودآگاه بیش‌ازپیش با عناصر هویت ملی ممزوج می‌شود، تأثیرات آن در شخصیت وی ماندگار می‌شود و پس از بازگشت به شهر خود در اطرافیان وی نیز تأثیر خواهد گذاشت. در این مدت، با واقعیات جامعه آشنا می‌شود و کمتر دستخوش فضاسازی‌های عوامل بازدارنده قرار می‌گیرد؛ اما این فرصت مهم برای اختلاط فرهنگی و هویتی که منجر به خارج شدن فرد از دایره کوچک فرهنگ خودی می‌شود با سیاست بومی‌گزینی دانشگاه‌ها تا حد زیادی محدود شده است. هرچند دلایل این کار نیز ممکن است پذیرفته شده باشد، ولی در برابر کارکردهای دیگر آن از جمله همبستگی ملی، به مراتب از اهمیت کمتری برخوردار است و در مواردی هم با راهکارهایی قابل مدیریت است.

**مراجع ذهنیت‌ساز:** دیگر عامل مهم در هویت‌سازی و جامعه‌پذیری، مراجع ذهنیت‌ساز همچون نخبگان و رسانه‌ها هستند. بنابر نتایج پژوهش ذکر شده، نخبگان قومی بیشترین تأثیر را بر گرایش به همبستگی اقوام داشته است. بر این اساس، در میان کسانی که تأثیر کمتری از نخبگان سیاسی قومی می‌گیرند، میزان همگرایی قومی زیاد بوده است. استفاده و اعتماد به رسانه‌های خارجی و بسته‌های فرهنگی آن‌ها با عنوان دخالت نرم بیگانگان از فاکتورهای تضعیف‌کننده همبستگی اقوام است. کارکرد رسانه ملی در این خصوص، تأثیر ویژه‌ای دارد که مهم‌ترین آن پرهیز از تحریک و برانگیختن حساسیت‌ها و تعصبات قومی از یک‌سو و مشارکت دادن اقوام در تولیدات و برنامه‌ها و بیان مسائل آن‌ها در سطح کلان است. صداوسیما مراکز استانی نیز در صورت انعکاس فرهنگ عمومی منطقه، در ایجاد احساس بر خورداری شهروندان از ابزار رسانه خودی و رضایت خاطر ایجاد شده از آن که در نهایت منجر به بینش مثبت به حاکمیت و هویت ملی خواهد شد، مؤثر است.

**اسطوره‌ها و نمادها:** نمادها در هویت‌سازی، ساخت اجتماعی و استمرار آن نقش بسزایی دارند. ترنر معتقد است ابقا و تداوم واحد اجتماعی، عمدتاً از طریق نظام آیینی و مجموعه نمادها تأمین می‌شود. نمایش‌های اجتماعی و اقدامات جمعی مبین رشته‌ای از حوادث اجتماعی‌اند که وقتی ناظری از بیرون به آن‌ها می‌نگرد، در آن‌ها یک ساختار را



مشاهده می‌کند. این نمادها، به رفع فاصله‌های به وجود آمده میان سلیقه‌ها و شعب مختلف موجود در یک جامعه کمک می‌کند و مناسبات یگانه و وحدت‌بخش را میان اعضای آن تثبیت می‌کند. نمادها به گونه‌ای هیجان‌انگیز، نظام ارزشی جامعه را تکرار می‌کنند. به اعتقاد ترنر، نمادها در سیاست، انسجام‌بخش و عامل توازن و همبستگی جامعه هستند؛ از این رو، آشکارسازی نمادهای هویت ملی در فرهنگ کردی، در همسویی شهروندان کرد با هویت ملی و احساس تعلق به آن نقش دارد. اسطوره‌ها، قهرمانان، آثار تاریخی، مناسبت‌ها، آداب و رسوم و مراسم مختلف و پوشش از این جمله‌اند. در صورتی که بی‌اعتنایی به نمادها منجر به تحریک تعصبات قومی نسبت به آن‌ها می‌شود.

## ۲-۲- رهیافت‌های سیاسی

وضعیت سیاسی و جایگاه اجتماعی شهروندان کرد اهل سنت در محل سکونت خود در طول زمان یکسان نبوده است و با بروز تغییرات سیاسی دستخوش تغییر شده است. آخرین تغییرات متأثر از پیروزی انقلاب اسلامی بر مبنای مکتب تشیع بود که حاکمیت شیعیان معتقد و پایبند را به دنبال داشت و به عبارتی، افزایش تحرک اجتماعی شیعیان در مقابل اهل سنت به شمار می‌رفت. بر اساس نظریه تحرک اجتماعی و انسجام طبقاتی، به هر میزان که تحرک اجتماعی بیشتر باشد، انسجام طبقاتی کمتر می‌شود و هر قدر اعضای طبقات اجتماعی، فاقد خاستگاه اجتماعی یکسان باشند، طبقات به نحوی روزافزون از انسجام کمتری برخوردار خواهند بود. بدین ترتیب، به علت خرده‌فرهنگ‌های متمایز، طبقات اجتماعی به نحو فزاینده‌ای انسجام خود را از دست می‌دهند (امیرسرداری، ۱۳۹۳: ۱۳). از جمله عوامل مؤثر در تحرک اجتماعی، عوامل سیاسی همچون تغییر حکومت، جنگ‌ها، رشد و توسعه سیاسی هستند. بر این اساس، کرد اهل سنت به دلیل بازماندن از مناصب سیاسی کلان و حتی گاهی میانی، احساس ناکامی می‌کند؛ برداشتی که دلیل آن را عدم اعتماد نظام سیاسی به خود می‌داند. بدیهی است در چنین وضعیتی، تلاش برای همبستگی او با هویت ملی دشوار است (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۶۳).

کردها و استان کردستان از نخستین انتخابات برگزار شده در جمهوری اسلامی تا به امروز، به رغم کاهش و افزایش، همواره در انتخابات مشارکت داشته‌اند؛ در آخرین مورد، حضور چشمگیر در انتخابات سال ۹۶ بود که بیشترین رأی در میان استان‌ها را نسبت به جمعیت استان، به رئیس‌جمهور منتخب دادند؛ اما به دلایل متعدد فرهنگی و کارکردی، نتیجه مورد انتظار آن‌ها حاصل نشد. اولین مسئله‌ای که موجب سرخوردگی شد، عدم حضور نخبگان و نمایندگان شناخته شده اهل سنت کرد در مجالس تنفیذ و تحلیف حکم

رئیس‌جمهور بود. پس از آن نیز در انتخاب وزیران، انتصاب استاندار و مدیران استانی نتیجه‌ای مطلوب آن‌ها رخ نداد؛ در صورتی که بنابر سیاست‌های کلان نظام برگرفته از رهنمودهای امام خمینی و مقام معظم رهبری و قانون اساسی که تنها شیعه‌بودن را از شرایط رئیس‌جمهور می‌داند، منعی در این زمینه‌ها وجود نداشت. این‌گونه مسائل تأثیر منفی در فضای عمومی جامعه، نخبگان و رسانه‌های استان داشته است. فضا سازی عناصر خارج از محدوده هویت ملی همچون «گروهک‌ها» و «جریان‌های معاند» عمدتاً خارج‌نشین با دستاویز قراردادن این‌گونه موارد و تحریک احساسات واگرایانه، تأثیر آن‌ها را دوچندان می‌نماید؛ به طوری که مانعی در فرایند همبستگی کردها با هویت ملی به‌شمار خواهد رفت. براساس رهیافت‌های سیاسی آن زمان که اقلیت به صورت ذهنی احساس کند یا به گونه‌ای عینی لمس کند که رضایت، رفاه و خواسته‌های او برآورده نمی‌شود، در رقابت بر سر منابع قدرت دچار ناکامی شود و در معادلات سیاسی، کنش مطلوب و مؤثری نداشته باشد، گرایش به سمت هویت ملی نخواهد داشت و در صورت تعلق به آن به انحای گوناگون، سعی در نشان دادن اعتراض خود خواهد داشت. برعکس، زمانی که بروکراسی سیاسی-اجتماعی و اداری تنظیم شده از سوی دولتمردان به همه گروه‌های قومی، اجازه تحرک عمودی در عرصه سیاسی-اداری و شرکت در مناسبات اداری و سیاسی در سطح مدیریت کشوری را بدهد، گرایش به قوم‌مداری و خاص‌گرایی کاهش یافته و به میزان همگرایی افزوده می‌شود (صالحی امیری و عظیمی، ۱۳۸۸: ۱۴).

در مجموع، به نظر می‌رسد شرایط لازم و کافی برای درگیر شدن یک فرد در یک اقدام جمعی از جنس همبستگی عبارت است از اینکه برای فرد برخی از منافع جمعی گروه به‌عنوان آمال و خواست‌های عالی و آرمانی مطرح باشد. همچنین، اقدام جمعی باید راه کم‌هزینه‌تری را برای دستیابی به منفعت موردنظر نسبت به راه‌هایی که دیگران در خارج از گروه اتخاذ می‌کنند ارائه دهد و در نهایت، اینکه فرد باور کند که سهم وی در اقدام جمعی حداقل تاحدودی در حصول یا عدم حصول منفعت مطلوب مؤثر است. همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، هویت ملی فرایندی مستمر و پویاست نه ایستا؛ درک جامعه از برخوردهای مستمر حکومت به نسل‌های جوان‌تر که سال‌های آتی وارد اجتماع خواهند شد منتقل می‌شود.

هرجا مرزهای قومی مطابق با خطوط معین اختلافات ساختاری است، در نتیجه آن، همبستگی قومی (در برابر هویت ملی) تشدید و تقویت می‌شود. هرجا هویت قومی با وضعیت اقتصادی ارتباط می‌یابد، معنایی به هویت قومی می‌بخشد که تازمانی که ارتباط بین وضعیت اقتصادی و نشانه‌های وابستگی باقی است، به حیات خود ادامه می‌دهد.



همبستگی قومی به عنوان واکنش از طرف پیرامونی که از حیث فرهنگی متمایز است، در مقابل مرکز تقویت می‌شود؛ از این رو، جمعی از محققان به این پیامد قومیت واکنشی داده‌اند که به وسیله آن جدایی اجتماعی از رهگذر محرومیت‌های آشکار گروه فرودست توسط گروه فرادست تشدید می‌شود (پوررجبی و مجدی، ۱۴۰۰: ۳۰).

### ۲-۳- نقش سازمان‌های اطلاعاتی در رابطه عوامل و موانع همبستگی

استان کردستان، با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، جمعیتی و تاریخی واجد ویژگی‌هایی است که به صورت خلاصه عبارت‌اند از: «ترکیب جمعیتی اهل سنت کرد و شیعیان آذری و کرد، پیشینه تاریخی مقابله با حکومت‌های مرکزی، همجواری با اقلیم کردستان عراق با حکومت نسبتاً مستقل، توسعه نیافتگی اقتصادی استان و مانند آن». هر کدام از این ویژگی‌ها پیامدهایی مانند احساس تبعیض و ظلم حکومت نسبت به شهروندان کرد اهل سنت، احساس محرومیت نسبی، نرخ بالای بیکاری، رتبه ششم کشوری فقر، حاشیه‌نشینی، بالا بودن آسیب‌های اجتماعی، عملکرد سلیقه‌ای مدیران و مجریان، نگاه امنیتی، واقعی یا روانی، فعالیت گروه‌های تجزیه طلب قومی و واگرای مذهبی در داخل و خارج، فعالیت عناصر و جریان‌های قومی و مذهبی مغرض و مخالف در داخل را به دنبال داشته است. این ویژگی‌ها و پیامدهای آن‌ها را می‌توان در قالب رهیافت‌های سیاسی، اقتصادی و جامعه‌شناختی- روان‌شناختی دسته‌بندی نمود. از سویی، هر کدام از عوامل، حتی همجواری با اقلیم که نتیجه جنگ‌های گذشته و ترسیم مرزها توسط عوامل انسانی یا سیاست‌های دولت‌هاست، به صورت جداگانه یا ترکیبی از دو یا چند عامل، نتیجه نقص در ابعاد چهارگانه همبستگی به‌ویژه ابعاد فرهنگی و کارکردی است.

از آنجاکه با توجه به حوادث اوایل انقلاب، جنگ تحمیلی و رخداد‌های ضدامنیتی، همچنان نگاه امنیتی به مناطق کردنشین اهل سنت در بخشی از جامعه و برخی از تصمیم‌گیران عمدتاً میانی ناآشنا با شرایط مناطق کردنشین وجود دارد، سازمان‌های اطلاعاتی می‌توانند در ارائه شناخت صحیح از شرایط و وضعیت روز نقشی مهم و مؤثر ایفا نمایند. ادبیات نظری موجود در خصوص کارکردها و مأموریت‌های سازمان‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد که این سازمان‌ها بخشی از فرایندهای سیاست‌گذاری هستند. سیاست‌گذاری روندی است که طی آن رهبران و مدیران ارشد نظام سیاسی جهت‌دهی به اهداف ملی، به انتخاب بهترین روش‌های ممکن از میان روش‌های در دسترس می‌پردازند. دو عامل عمده در مطلوبیت سیاست‌گذاری و اجرایی بودن آن نقش دارند که این دو عامل عبارت‌اند از: «شناخت از موضوع و ابعاد گوناگون آن» و «شناخت از

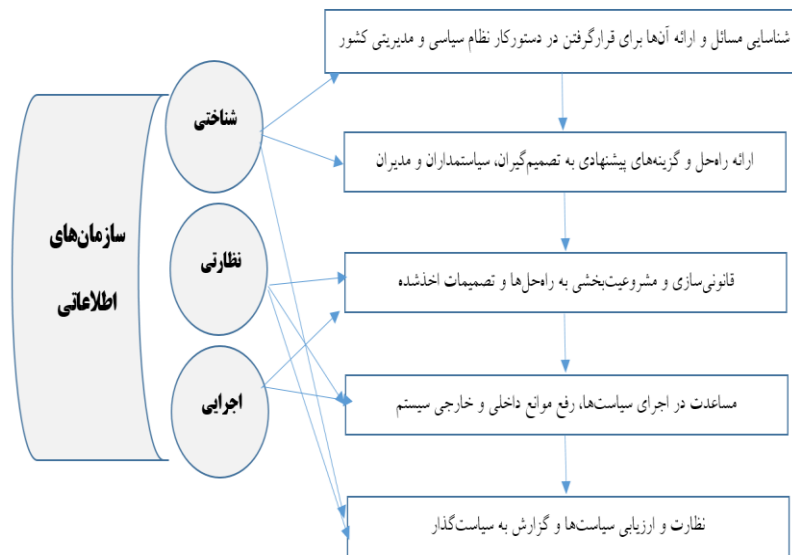
روش‌های مختلف دستیابی به هدف مطلوب در خصوص آن موضوع». از آنجا که بخشی از مسائل به‌ویژه در حوزه مسائل سیاسی دارای ابعاد پنهان هستند، سیاستمداران نیاز به ابزاری خاص با توانمندی کافی جهت کسب و ارائه آگاهی‌های لازم به آنان دارند (سالارکیا و میرمحمدی، ۱۳۹۷: ۳۳). سازمان‌های اطلاعاتی با تکیه بر ابزار و امکانات منحصر به فرد خود توانایی ایجاد شناخت از پایین‌ترین تا بالاترین سطوح و آشکار و نهان عرصه‌ها و گروه‌های گوناگون جامعه را دارند؛ ارتباط با لایه‌های مختلف مدیریتی، نخبگان و مراجع ذهنیت‌ساز جامعه هدف، در کنار اعتمادی که سیاست‌گذاران به آن دارند، سازمان‌های اطلاعاتی را در شرایطی قرار می‌دهد که می‌توانند با ارائه شناخت مبتنی بر داده‌های واقعی و خالی از ملاحظات سلیقه‌ای به نهادهای مرجع و تصمیم‌گیر در کشور، وضعیت را تبیین و گزینه‌های گوناگون به همراه پیامدهای قطعی و احتمالی هر یک را به آن‌ها منعکس نمایند. افزون بر آن، با تکیه بر مبانی اصلی سیاست‌های کلان در کشور، از فراگیری و به‌کارگیری دیدگاه‌های سلیقه‌ای در اجرای سیاست‌ها ممانعت کنند. از سویی با معرفی فهرستی از نخبگان واجد ویژگی‌های لازم که احیاناً برای مسئولان عالی، ناشناس خواهند بود و سازمان اطلاعاتی بنابر کارکردهای ویژه خود با آن‌ها آشناست، گزینه‌های انتخاب برای مشارکت در سطوح مدیریتی را افزایش دهد. بدیهی است مشاوره و صیانت از کارگزاران در مراحل بعدی نیز مانع از کژکارکردی‌های احتمالی خواهد شد؛ چراکه تأثیر رفتار نخبگان سیاسی بر شهروندان می‌تواند از عوامل تأثیرگذار بر همبستگی قومی باشد (صالحی امیری و عظیمی، ۱۳۸۸: ۱۶). این اقدامات، پاسخی شایسته به کنش مشارکت‌جویانه شهروندان در مناسبات جمعی است. دریافت بازخورد مثبت مهم‌ترین دلیل برای استمرار همراهی و تثبیت آن که همانا همبستگی با «ما»ی جمعی و ملی است را به دنبال دارد.

با توجه به نمونه‌های طرح‌شده در بخش پیشین، کارکرد صحیح و اصولی نهادهای حکومتی مبتنی بر منابع اصلی سیاست‌گذاری در حوزه قوم کرد، تسهیل‌گر همبستگی ملی و کژکارکردی آن‌ها مانع تحقق این فرایند است. سازمان‌های امنیتی با نگاه ملی و ابتدای بر مبانی حکومتی جمهوری اسلامی، شناسایی نقاط آسیب‌فرایند اجتماعی شدن که برخی نتیجه فعالیت طبیعی سیستم‌ها و برخی نتیجه دخالت و ورود عوامل خارج از سیستم از جمله نفوذ فرهنگی است را در دستور کار خود قرار می‌دهند. آگاه‌سازی مراجع سیاست‌گذار در خصوص وضعیت‌های موجود جامعه قومی و نیازهای آن در راستای همبستگی ملی برای تدارک سیاست‌ها و برنامه‌های تقویت‌کننده و هشداردهی در خصوص پیامدهای احتمالی اقدامات فرهنگی از دیگر وظایف سازمان اطلاعاتی در این حوزه است.

به‌عنوان مثال، شاید سیاست‌گذار آموزشی به دلیل عدم اطلاع و تخصص متناسب، از پیامدهای تدوین سیاست بومی‌گزینی بر تقویت گسست اجتماعی و کاهش همبستگی ملی آگاه نبوده و یا در این خصوص غفلت نموده است. در این وضعیت، سازمان اطلاعاتی با هشداردهی و توجیه سیاست‌گذار، به اصلاح روند موجود کمک خواهد نمود. با توجه به نقش مراجع ذهنیت‌ساز نیز، سازمان اطلاعاتی با اقداماتی همچون عملیات روانی و جریان‌سازی در میان نخبگان تأثیرگذار، افکار عمومی و فضای رسانه‌ای، در راستای تقویت همبستگی ملی و خنثی‌سازی اقدامات جریان معاند، موجب تقویت فرایند همبستگی و مانع از اختلال در مسیر آن خواهد شد. بدیهی است سازمان اطلاعاتی در انجام وظایف خود، از ابزارهای متنوع آشکار و پنهان بهره می‌برد. با توجه به مقتضیات و ویژگی‌های فرایند همبستگی اجتماعی، رویکردهای سازمان اطلاعاتی در این حوزه عمدتاً ایجابی، با تمرکز بر رفع نقایص و آسیب‌ها به منظور توانمندسازی درونی خواهد بود.

نکته مهم این است که با توجه به طبیعت فرایند همبستگی اجتماعی، جامعه‌پذیری و هویت‌سازی که فرایندی ایجابی و نرم است، سازمان‌های اطلاعاتی دستورکار مستقیم و تخصصی در این حوزه ندارند؛ اما از جنبه سلبی با عنایت به اختلال‌گری عناصر معارض و معاند، عناصر و جریان‌های معارض داخلی، گروهک‌های تجزیه‌طلب و کشورهای متخاصم و رقیب، در راستای ایجاد گسست و واگرایی قومی و ممانعت از همبستگی قوم کرد با بدنه جامعه از طریق اقدامات متنوع و متعدد نرم رسانه‌ای یا عملیات روانی نظیر تاریخ‌سازی، سیاه‌نمایی، بزرگ‌نمایی، تحریک تعصبات قومی و سخت‌مانند اقدامات خرابکارانه و تروریستی، این سازمان‌ها با بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های قانونی منحصر به فرد خود اقدام به شناسایی عوامل اختلال و موانع سیستم‌نموده و با استفاده از ابزار قانون و برخورد با آن‌ها، ورود تخصصی با هدف تأمین امنیت ملی از طریق حفظ یکپارچگی و همبستگی ملی خواهند داشت. این‌گونه اقدامات، از جمله دلایل وجودی و وظایف ذاتی سازمان‌های اطلاعاتی به‌شمار می‌رود و این رویکرد، همچون جراحی یک عضو بیمار توسط پزشک معالج است.

براساس مدل مرحله‌ای سیاست‌گذاری پیر مولر، مراحل سیاست‌گذاری عبارت‌اند از: شناسایی مسئله، صورت‌بندی مسئله و تصویب راه‌حل، اجرای سیاست، ارزیابی سیاست و پایان سیاست (مولر، ۱۳۷۹: ۱۰۲). بر این اساس، سازمان‌های اطلاعاتی با توجه به کارکردهای خود در سه حوزه شناختی، نظارتی و اجرایی در مراحل سیاست‌گذاری نقش دارند.



شکل شماره ۲. نقش سازمان‌های اطلاعاتی در سیاست‌گذاری تقویت همبستگی ملی

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سال‌هاست این اندیشه مطرح است که همبستگی اجتماعی به‌عنوان یک فرایند برقراری هم‌شکلی صوری در جامعه به‌شمار نمی‌رود، بلکه بر نوعی تنوع فرهنگی دلالت دارد که با برابری فرصت‌ها در یک فضای تحمل‌پذیری متقابل همراه است (ذکایی، ۱۳۸۰: ۱۷۹). از این‌رو، تلاش برای ایجاد همبستگی نیازمند پذیرش تنوع ذیل تعهد به عناصر اصلی هویت ملی است؛ چراکه تجربیات تاریخی درونی نظیر تقابل پهلوی اول با اقوام و بی‌اعتنایی پهلوی دوم به آن‌ها و تجربیات بیرونی چون برخورد دولت ترکیه با شهروندان کرد خود، نشان داده است که سیاست‌های همانندسازی نه‌تنها مفید نیست بلکه تحریک‌کننده و زمینه‌ای برای توسل اقوام به خشونت خواهد بود. بر این اساس، سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی با توجه به اینکه در فرایند جامعه‌پذیری و هویت‌سازی به‌صورت مستقیم وظیفه ندارند، با تکیه بر سیاست‌های کلی نظام درخصوص اقوام و رویکرد حفظ حقوق آن‌ها مبتنی بر قانون اساسی، اقدام به تسهیل فرایند همبستگی اجتماعی و شناسایی و رفع موانع احتمالی در این فرایند می‌نمایند. بر این اساس، شناخت

آسیب‌ها و تهدیدات مترتب بر بخش‌های فرهنگی، هنجاری، کارکردی و ارتباطات بین آن‌ها، نظارت بر حسن اجرای هنجارها، کارکرد نهادها و ارتباطات و تأثیرگذاری بر روندها و ساختارها در صورت انحراف یا به منظور تقویت عملکردها در حوزه گروه‌های قومی و مذهبی کشور که مانع از همبستگی اقوام حول محور هویت ملی است، پایش اقدامات عناصر، گروه‌ها و جریان‌های مغرض و معاند داخلی و خارجی که مترصد ایجاد و تقویت شکاف در فرایند همبستگی ملی هستند، شناسایی نقاط ضعفی که دستاویز تعصبات قومی و مذهبی قرار می‌گیرند، نظارت بر عملکرد مسئولان، نخبگان و رسانه‌ها و حسن اجرای قوانین مربوط برای احقاق حقوق شهروندان و احصای موانع احتمالی، اقدام برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و نخبگان و خنثی‌سازی اقدامات مراجع مرکزگریز (عملیات روانی) نمونه‌هایی از نقش‌های سازمان‌های اطلاعاتی در راستای تقویت همبستگی ملی اقوام ایرانی در ابعاد فرهنگی، کارکردی، هنجاری و ارتباطی است. بر این اساس نیاز است:

۱- نقش سازمان‌های اطلاعاتی به‌عنوان ابزار شناخت، نظارت و ضرورت اجرا، ازسوی سیاست‌گذاران موردتوجه قرار گیرد و از این امکان مفید و مؤثر در راستای مدیریت مسائل اقوام همچون شناخت آسیب‌ها و مشکلات و گزینه‌های احتمالی تصمیم و اقدام، اشراف نسبت به پیامدهای سیاست‌ها، شناسایی عناصر کارآمد و ناکارآمد و غیره بهره کافی برده شود.

۲- داده‌ها و اطلاعات ارائه‌شده توسط سازمان‌های اطلاعاتی که بنابر فرایند تولید آن‌ها در این‌گونه سازمان‌ها از اتقان کافی برخوردار است و سایر نهادهای تخصصی، جایگزین تصمیمات سلیقه‌ای و مقطعی در رابطه با موضوعات مربوط به اقوام شود.

۳- سازمان‌های اطلاعاتی ضمن تسهیل رقابت سالم و قانونی سیاسی، از هرگونه فعالیت واگرایانه پیشگیری نمایند.

۴- در روند تعیین صلاحیت مدیران دستگاه‌های گوناگون مناطق قومی، صلاحیت‌های عمومی و تخصصی افراد توسط سازمان‌های اطلاعاتی بدون توجه به حواشی سیاسی و غیره سنجیده شود و مبنای انتصاب توسط مدیران بالادستی قرار گیرد.

۵- با هدف تقویت همگرایی ملی، انجمن‌ها و سایر نهادهای مردم‌نهاد و غیردولتی در مناطق قومی تسهیل شود؛ اما سازمان‌های اطلاعاتی از تأسیس احزاب و غیره با گرایش‌های قومی ممانعت نمایند.

۶- سازمان‌های اطلاعاتی زمینه‌های سوءاستفاده از تفاوت‌های قومی و غیره توسط بیگانگان در داخل کشور را شناسایی کنند و با همکاری سایر دستگاه‌های مربوطه با آن مقابله نمایند.

- ۷- سازمان‌های اطلاعاتی با هدایت و حمایت شناختی فعالان رسانه‌ای و رسانه‌های رسمی و غیررسمی، از طرح و برجسته شدن مسائل و عناصر قومی پیشگیری کنند و در راستای تقویت همبستگی ملی از رسانه‌های گوناگون مکتوب، غیرمکتوب، دیداری و شنیداری و غیره بهره‌گیری نمایند.
- ۸- سازمان‌های اطلاعاتی با بهره‌گیری از ابزار تخصصی و نگاه ملی خود، نسبت به شناسایی تبعیض‌ها، شکاف‌ها و محرومیت‌های زمینه‌ساز گسست اجتماعی اقدام و در جهت رفع آن‌ها با سایر نهادهای تخصصی همکاری نمایند.
- ۹- سازمان‌های اطلاعاتی از هم‌افزایی منفی شکاف‌ها و گسست‌های قومی با مسائل مذهبی پیشگیری کنند و بسترهای احتمالی آن را شناسایی و برطرف نمایند.

### منابع

- احمدپور، خسرو؛ سراج‌زاده، سید حسین (۱۳۹۸). «هویت ملی در ایران؛ مرور سیستماتیک مقاله‌های علمی-پژوهشی ۱۳۹۰-۱۳۹۵»، *فصلنامه مطالعات ملی*. شماره ۷۸: ۲۴-۳.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم (نظریه، ایدئولوژی، تاریخ)*. ترجمه منصور انصاری. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- افتخاری، اصغر؛ حاکمی، محمدمین (۱۴۰۲). «تحلیل سیاستی همبستگی ملی در سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه»، *فصلنامه مطالعات ملی*. شماره ۹۶: ۳۰-۷.
- امیرسرداری، سلمان (۱۳۹۳). «تشیع در استان کردستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ تشیع. تهران: دانشگاه پیام نور.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۸). *عقل در سیاست*. تهران: انتشارات نشر نگاه معاصر. چاپ اول.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی): <https://farsi.khamenei.ir>.
- پوررجبی، میلاد؛ مجد، علی‌اکبر (۱۴۰۰). «عوامل مؤثر بر بحران قوم‌مداری در تضعیف همبستگی ملی (یک مدل‌سازی نظری در شرایط بحرانی جوامع شهری)»، *فصلنامه مطالعات مدیریت بحران*. شماره ۳: ۳۲-۷.
- تامپسون، کنت (۱۳۸۸). *نظریه دورکیم درباره همبستگی اجتماعی*. ترجمه مهناز مسمی‌پرست. تهران: نشر نی. چاپ اول.
- خلیلی اردکانی، محمدعلی؛ معیدفر، سعید؛ ساعی، علی (۱۳۹۲). «جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت قومی و ملی؛ مطالعه موردی کردهای سنندج»، *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*. شماره ۱: ۹۱-۱۱۲.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظم اجتماعی)*. تهران: انتشارات نی. چاپ دوم.
- خوشحال، امیر؛ فرحی اصلی، شهرزاد (۱۳۹۴). «کارکرد انسجام و همبستگی اجتماعی در رابطه بین دولت و ملت و تأثیر آن در ایران، تهران»، *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی*. دوره اول. دشتی، تقی (۱۳۹۳). *حقوق اقلیت‌های قومی*. قم: بوستان کتاب.



- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۰ الف). «اقلیت‌های قومی و دولت ملی (جامعه‌شناسی سیاسی جوامع چندفرهنگی)»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۸: ۱۸۶-۱۸۳.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۰ ب). «بررسی تطبیقی سیاست‌های ادغام اجتماعی و شهروندی در اروپا»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۸: ۶۹-۸۸.
- سالارکیا، غلامرضا؛ میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۷). *سازمان‌های امنیتی؛ چهارچوبی برای تحلیل*. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- صالحی امیری، سید رضا؛ عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۸). «بررسی موردی نظریه امیل دورکیم، (آموزش و پرورش و انسجام اجتماعی)»، فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۴۴: ۱۷-۸.
- عباس‌زاده، مجید (۱۴۰۰). «همزیستی تاریخی هویت ملی و هویت‌های قومی در ایران و ضرورت اتخاذ سیاست وحدت در کثرت در عصر کنونی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۶: ۲۷۱-۲۴۹.
- علیخانی، علی (۱۳۹۶). *امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- کاظمی‌نیا، حسن؛ شیر، طهمورث؛ صفری شالی، رضا (۱۳۹۹). «تحلیل جامعه‌شناختی همگرایی کردها و عرب‌های ایلام و نقش آن در احساس امنیت پایدار»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳: ۱۵۱-۱۲۰.
- کوزر، لوییز (۱۳۷۳). *زن‌دگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: دانشگاه تهران.
- کیانمهر، عبدالعلی؛ محمدزاده، علی؛ سلیم، محمدنبی (۱۴۰۳). «بررسی تأثیر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران بر انسجام و همگرایی اجتماعی فرهنگی در استان گلستان (با تأکید بر ترکمن‌ها)»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۹۷: ۱۷۶-۱۵۹.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹). *مفاهیم کلیدی بوردیو*. ترجمه محمد لیبی. تهران: نشر افکار.
- مارجر، مارتین (۱۳۷۷). «سیاست قومی»، فصلنامه مطالعات راهبردی. ترجمه اصغر افتخاری. پیش شماره ۱: ۱۸۱-۱۵۳.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). *تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها*. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). *صحیفه نور*. ج ۹. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). چاپ سوم.
- مولر، پیر (۱۳۷۹). *سیاست‌گذاری عمومی*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: نشر دادگستر.
- مهری، کریم؛ یزدخواستی، بهجت؛ پناهی، محمدحسین (۱۳۹۲). «سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک»، *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*. شماره ۱۰: ۸۷-۷۵.
- میسون، تی. دیوید (۱۳۷۷). «سیاست و قومیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی. ترجمه جعفر حق‌پناه. پیش شماره ۱: ۱۵۲-۱۲۵.
- هوشنگی، حمید (۱۳۹۶). *تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران؛ راهبردها و سیاست‌ها*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- Borgatta, E. (1992). *Encyclopedia of Sociology*. N.Y, Macmillan Publishing Company. Vol 2.
- Hylland, T. (1993). *Ethnicity and Nationalism, Anthropology Perspective*. London: Pluto Press.
- Kuper, A. & J. Kuper (1999). *The Social Science Encyclopedia*. London: Routledge, 2nd ed.